



صفحه ۴ ضمیمه نوجوان روزنامه

شماره ۴۸۰

www.gudsonline.ir

سه شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ | ۲۸ ذی الحجه ۱۴۳۸ | ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷

حرف و حدیث هادر رابطه
باراه اندازی سازمان
ملی جوانان داغ است

سازمانی که
جوان بود



یک روز با کارگاه کاردستی اعضای
نوجوان کانون پرورش فکری

دنیای
کلاف‌های
رنگی



برای بازدید عمیق
هائید صلاح برار

بلوط می سوزد و می سازد

نگاهی به مشکلات زیست محیطی استان‌های غرب کشور



نگاهی به مشکلات زیست محیطی استان‌های غرب کشور

کابلوط می سوزد و می سازد

فاطمه نیک | بدون غرض‌ورزی می‌گوییم شاید بیشتر شما به همان اندازه که نام شهرهای خارجی و مناطق خوش آب‌وهوای خاص آن‌ور دنیا را شنیده‌اید و درباره‌شان می‌دانید، نام منطقه زاگرس را در غرب کشورمان نشنیده باشید و درباره‌اش اطلاعات نداشته باشید. شاید الان جواب بدهید این‌جوری‌ها هم نیست و ما همه نام این منطقه را شنیده‌ایم و می‌دانیم رشته‌کوه بزرگی در غرب ایران است.

اما سؤال بعدی این است که شما جغرافی‌دانان چندبار به شهرهای این منطقه سفر کرده‌اید؟ اصلاً سفر پیشکش‌تان چندبار در اینترنت‌گردی‌هایتان نام این منطقه را به جای جزایر لاکچری جست‌وجو کرده‌اید؟ منطقه زاگرس که شامل یازده استان کشور می‌شود یکی از مناطق مهم در محیط‌زیست ایران است. اهمیت این منطقه فقط به خاطر تنوع محیط‌زیستی این ناحیه نیست. این منطقه بیش از ۴۰ درصد منابع آب شیرین کشور را تولید می‌کند و تغذیه ۲۷ درصد جمعیت کشور از پوشش‌های گیاهی این ناحیه تأمین می‌شود. حالا فکر می‌کنید حال این منطقه زیبا و روزی‌رسان چطور است؟ عرض شود خدمت‌تان که در همه یازده استان این منطقه اوضاع قاراش میش و حساسی شیر توشیر شده است. اگر بیاورند از ما در سفر کاغذی به منطقه زاگرس همراه باشید تا دست‌تان بیاید خطر انقراض بیخ گوشمان است.

جنگل‌های بلوط، فرشته‌های زمینی

اگر پنجاه سال پیش یا دیرتر به دنیا می‌آمدید و اهل سیروسفر هم بودید می‌توانستید از جنگل‌های زیبای بلوط دیدن کنید که به اندازه جنگل‌های استوایی پر و انبوه بودند و آدمیزاد با دیدنشان درگیر ابهت و شکوه‌شان می‌شد، اما حالا هرچند درخت‌های بلوط سر جایشان ایستاده‌اند، اما به هزار و یک علت که در ادامه درباره‌شان خواهیم گفت هنگام سفر به منطقه زاگرس با جنگل‌هایی بی‌رمق و پوشش گیاهی از دست‌رفته‌ای روبه‌رو خواهید شد که حالشان خوب نیست. منطقه زاگرس شامل رشته‌کوه‌های زاگرس، وسیع‌ترین و اصلی‌ترین رویشگاه گونه‌های مختلف بلوط در ایران بوده و به همین دلیل این منطقه اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. جنگل‌های بلوط منطقه زاگرس از آخر شمال‌غربی ایران یعنی استان آذربایجان‌غربی شروع شده و پس از گذشتن از غرب یعنی استان‌های کرمانشاه، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و لرستان به جنوب‌غرب ایران یعنی استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و فارس می‌رسد.

در میان این یازده استان که در ناحیه رویشی زاگرس قرار گرفته‌اند، استان‌های فارس، لرستان و خوزستان مقام‌های اول تا سوم را از نظر وسعت جنگل و رویش درختان دارند. جنگل‌های زاگرس با ۶ میلیون هکتار مساحت، ۴۰ درصد جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند که حدود ۷۰ درصد از این جنگل‌ها درختان بلوط معروف هستند. آن‌طور که دوستداران محیط‌زیست می‌گویند در شرایطی که آلودگی هوا و کمبود آب بیداد می‌کند، این درخت‌ها فرشته‌های نجات ما انسان‌ها هستند.

بعضی مشکلات نه تنها مثل زنجیر به هم مربوط هستند بلکه در یک دایره قرار دارند، برای همین ما را توی دور باطل قرار می‌دهند. نمونه‌اش همین مشکلات محیط‌زیستی مانند ریزگردها و خشکسالی و از بین رفتن جنگل‌هاست؛ مثلاً اولش خشکسالی می‌آید، بعد رودخانه‌ها خشک می‌شوند بعد گردوخاک از توی کف رودخانه‌ها بلند شده و سر جنگل‌ها می‌ریزند و جنگل‌ها را تخریب می‌کنند. آن‌وقت با تخریب جنگل‌ها خشکسالی تشدید می‌شود و آن‌وقت غصه را بگیرد از سر! گفته می‌شود کشور ایران روی کمربند گرد و خاک جهان قرار دارد و منشأ گرد و خاک هم صحرای عربستان، شمال آفریقا و جنوب عراق است، اما این همه ماجرا نیست، زیرا تغییر در آب‌وهوای منطقه با احداث سد، وجود کانال‌های انحرافی، تغییر الگوی مصرف، تغییر الگوی کشت و بی‌توجهی به از بین رفتن تالاب‌ها و خشک شدن دریاچه ارومیه، همه و همه باعث شد تا همزمان با ایجاد تغییرات آب‌وهوایی، آثار مخرب پدیده گردوغبار زیادتر شود و آن‌طور که بوش می‌آید حالا حالاها این ریزگردها بدجنس مهمان کشور و به‌خصوص غرب آن خواهند بود. کارشناسان می‌گویند بهترین راه برای حل مشکل ریزگردها یک جور عزم ملی برای کاشت درخت است که نامش را گذاشته‌اند «بهضت جنگل‌کاری» و می‌گویند از بهترین راه‌های کاهش آلودگی هوا ایجاد نهضت جنگل‌کاری است.

توی دور باطل افتاده‌ایم

بعضی مشکلات نه تنها مثل زنجیر به هم مربوط هستند بلکه در یک دایره قرار دارند، برای همین ما را توی دور باطل قرار می‌دهند. نمونه‌اش همین مشکلات محیط‌زیستی مانند ریزگردها و خشکسالی و از بین رفتن جنگل‌هاست؛ مثلاً اولش خشکسالی می‌آید، بعد رودخانه‌ها خشک می‌شوند بعد گردوخاک از توی کف رودخانه‌ها بلند شده و سر جنگل‌ها می‌ریزند و جنگل‌ها را تخریب می‌کنند. آن‌وقت با تخریب جنگل‌ها خشکسالی تشدید می‌شود و آن‌وقت غصه را بگیرد از سر! گفته می‌شود کشور ایران روی کمربند گرد و خاک جهان قرار دارد و منشأ گرد و خاک هم صحرای عربستان، شمال آفریقا و جنوب عراق است، اما این همه ماجرا نیست، زیرا تغییر در آب‌وهوای منطقه با احداث سد، وجود کانال‌های انحرافی، تغییر الگوی مصرف، تغییر الگوی کشت و بی‌توجهی به از بین رفتن تالاب‌ها و خشک شدن دریاچه ارومیه، همه و همه باعث شد تا همزمان با ایجاد تغییرات آب‌وهوایی، آثار مخرب پدیده گردوغبار زیادتر شود و آن‌طور که بوش می‌آید حالا حالاها این ریزگردها بدجنس مهمان کشور و به‌خصوص غرب آن خواهند بود. کارشناسان می‌گویند بهترین راه برای حل مشکل ریزگردها یک جور عزم ملی برای کاشت درخت است که نامش را گذاشته‌اند «بهضت جنگل‌کاری» و می‌گویند از بهترین راه‌های کاهش آلودگی هوا ایجاد نهضت جنگل‌کاری است.

متأسفانه مجبوریم اعتراف کنیم که قاتل جنگل‌های زاگرس و باعث‌بانی همه مشکلات محیط‌زیستی غرب کشور، ریزگردها و آلودگی هوا نیست. ما آدمیزادها از همان اول اوتش یک‌جورهاییم به جان طبیعت افتاده بودیم، اما آن‌طور که کارشناسان می‌گویند پس از این‌که رشد جمعیت زیاد شد و تعداد ما قاتلان طبیعت بالا رفت درسدرا برای محیط‌زیست چندبرابر شد. حتماً می‌دانید که در گذشته‌های دور مردم برای گرما و پخت‌وپز از زغال چوب استفاده می‌کردند و فکر می‌کنید این ماجرا حالا فقط توی فیلم‌ها اتفاق می‌افتد. متأسفانه اشتباه می‌کنید، چون درست بیخ گوش ما در غرب کشور مردم به خاطر فقر مالی هنوز از چوب درختان به جای سوخت استفاده می‌کنند و با این کار بلای جان جنگل‌های غرب کشور شده‌اند. به‌جز این بیشتر دامداران در این مناطق از جنگل‌ها به عنوان منبع غذایی استفاده می‌کنند و تازه این‌که چیزی نیست، هستند کشاورزانی که برای داشتن زمین‌های بیشتر جنگل را آتش زده تا ملکشان را بزرگ‌تر کنند. مجموعه این اتفاق‌ها باعث شده جنگل شادابی و طراوت خود را از دست داده و دیگر انرژی نداشته باشد که از خودش در برابر تهدیدهای طبیعی مثل آفت‌ها مراقبت کند، به همین خاطر در حال حاضر شاهد پدیده زوال بلوط یا مرگ بلوط در این منطقه هستیم. آن‌طور که کارشناسان می‌گویند اگر برنامه‌ریزی علمی برای حفاظت از جنگل‌های زاگرس نباشد، تا پنجاه سال آینده ۵۰ درصد جنگل‌های زاگرس از بین خواهند رفت.

مرگ تدریجی جنگل‌ها

متأسفانه مجبوریم اعتراف کنیم که قاتل جنگل‌های زاگرس و باعث‌بانی همه مشکلات محیط‌زیستی غرب کشور، ریزگردها و آلودگی هوا نیست. ما آدمیزادها از همان اول اوتش یک‌جورهاییم به جان طبیعت افتاده بودیم، اما آن‌طور که کارشناسان می‌گویند پس از این‌که رشد جمعیت زیاد شد و تعداد ما قاتلان طبیعت بالا رفت درسدرا برای محیط‌زیست چندبرابر شد. حتماً می‌دانید که در گذشته‌های دور مردم برای گرما و پخت‌وپز از زغال چوب استفاده می‌کردند و فکر می‌کنید این ماجرا حالا فقط توی فیلم‌ها اتفاق می‌افتد. متأسفانه اشتباه می‌کنید، چون درست بیخ گوش ما در غرب کشور مردم به خاطر فقر مالی هنوز از چوب درختان به جای سوخت استفاده می‌کنند و با این کار بلای جان جنگل‌های غرب کشور شده‌اند. به‌جز این بیشتر دامداران در این مناطق از جنگل‌ها به عنوان منبع غذایی استفاده می‌کنند و تازه این‌که چیزی نیست، هستند کشاورزانی که برای داشتن زمین‌های بیشتر جنگل را آتش زده تا ملکشان را بزرگ‌تر کنند. مجموعه این اتفاق‌ها باعث شده جنگل شادابی و طراوت خود را از دست داده و دیگر انرژی نداشته باشد که از خودش در برابر تهدیدهای طبیعی مثل آفت‌ها مراقبت کند، به همین خاطر در حال حاضر شاهد پدیده زوال بلوط یا مرگ بلوط در این منطقه هستیم. آن‌طور که کارشناسان می‌گویند اگر برنامه‌ریزی علمی برای حفاظت از جنگل‌های زاگرس نباشد، تا پنجاه سال آینده ۵۰ درصد جنگل‌های زاگرس از بین خواهند رفت.



ما مقصر اصلی هستیم

سه‌م ما از جنگل از میانگین جهانی پایین‌تر است و تنها در حدود ۷ درصد از خاک کشورمان جنگل داریم. به گفته کارشناسان در شرایطی که سرانه جنگل‌های ما یک‌چهارم سرانه جنگل‌های دنیاست، باید حساسیت ما در حفظ جنگل‌ها چهاربرابر مردم دنیا باشد، اما اتفاقی که در واقعیت می‌افتد چیز دیگری است. در سال‌های گذشته بسیاری از پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی از همین یک کف دست جنگلی که داریم می‌گذشته‌اند و ما مدت‌هاست به خاطر چند طرح تکه و پاره که به بهانه پیشرفت کشور و رونق اقتصادی انجام می‌شوند، جنگل‌هایمان را ویران می‌کنیم. شاید باورتان نشود، اما به طور میانگین در منطقه زاگرس هر کدام از سد‌ها حدود ۲ هزار هکتار از مناطق جنگلی را به زیر آب برده‌اند. پروژه‌های انتقال نفت و گاز نیز که از جنوب و غرب کشور می‌گذرند، بدون ارزیابی اثرهای زیست‌محیطی انجام شده و از مناطق جنگلی عبور می‌کنند. به این‌ها اضافه کنید زدن تونل‌های بی‌دلیل و جاده‌هایی که فقط بیابان درست می‌کنند تا متوجه شوید ما چطور به اسم پیشرفت به جان طبیعت کشورمان افتاده‌ایم.

میراثی که از دست می‌رود

چند سالی است که گردشگران خارجی و ایرانی به غرب کشور توجه کرده و جاذبه‌های طبیعی این منطقه از سراسر دنیا مهمان دارند، اما همین گردشگران به جای این‌که کمکی به حال منطقه بکنند باعث درسدرا شده‌اند. اشتباه نکنید مسافرهای بدبخت کاری با طبیعت ندارند بلکه فعالیت‌های سودجویانه آدم‌های مکار برای محیط‌زیست زاگرس ماجرا درست کرده است. نمونه‌اش پدیده خریدوفروش لاله‌های واژگون که دست‌دستی دارد این گل‌های زیبا را منقرض می‌کند. احتمالاً بیشتر شما نام لاله‌های واژگون را شنیده‌اید و می‌دانید که در دشت‌های غربی کشور می‌رویند. این گل‌های قرمز گردشگران زیادی را به بخش‌های مختلف زاگرس می‌آورند. کارشناسان می‌گویند هیچ قانونی در مورد حمل و فروش لاله‌های واژگون وجود ندارد. به همین خاطر در این مورد و سایر مواردی که در بالا به آن اشاره شده نیازمند یک اراده جمعی هستیم که با اطلاع‌رسانی و خبرسازی مردم و مسئولان را نسبت به این مشکلات حساس کنیم. اول از همه از مسئولان بخواهیم منتی روی سرمان بگذارند و همه طرح‌های عمرانی که بدون توجه به محیط‌زیست کشیده‌اند، تعطیل کرده و به جایش فکری به حال وضعیت معیشتی مردم غرب کشور بکنند.



چگونه با خودمان برای خود نوشتابه



احترام چگونه؟

ممکن است از خودتان بپرسید احترام گذاشتن به خود چه معنایی دارد؟ یعنی با خودمان رسمی حرف بزنیم و جلوی پای خودمان بلند شویم؟ احترام گذاشتن به خودتان به این معنی است که هوای خودتان را داشته باشید. نیازها و خواسته‌هایتان را بشناسید و برای تأمین آن‌ها اقدام کنید. از خودتان به اندازه توقع داشته باشید و با خودتان خوب حرف بزنید. اگر این کارها را انجام دهید می‌توان گفت که شما با خودتان رفتار محترمانه‌ای دارید.

راضی یا شاکی؟

احترام گذاشتن به خود، باعث می‌شود که نسبت به خودتان احساس خوبی داشته باشید و این زیربنای یک زندگی سالم است. برای همین یکی از کارهای مهمی که باید در همین دوران نوجوانی یاد بگیرید، احترام گذاشتن به خودتان است. کسانی که به خودشان احترام نمی‌گذارند و هوای خودشان را ندارند، احساس ناراحتی و نارضایتی از خودشان دارند و از زمین و آسمان گله‌مند و شاکی هستند.

نیاز به احترام

مورد احترام واقع شدن هم لذتبخش است و هم نیاز ما انسان‌هاست. همه ما نیاز داریم مورد احترام دیگران قرار بگیریم و هم خودش احترام خودمان. حالا اگر کسی خودش به نیاز اساسی خودش بی‌اعتنایی کرده است. در چنین حالتی احترام گذاشتن دیگران هم دیگر خیلی کارایی ندارد و باعث خشنودی و احساس رضایت واقعی نمی‌شود.

نیازها و خواسته‌هایمان را بشناسید و برای تأمین آن‌ها اقدام کنید. از خودتان به اندازه توقع داشته باشید و با خودتان خوب حرف بزنید. اگر این کارها را انجام دهید می‌توان گفت که شما با خودتان رفتار محترمانه‌ای دارید.

احترام دیگران

احترام گذاشتن ما به خودمان، احترام گذاشتن دیگران را نیز به دنبال دارد. اگر ما با خودمان رفتار درست و محترمانه‌ای داشته باشیم، دیگران هم یاد می‌گیرند که با ما محترمانه رفتار کنند. اما اگر ما خودمان احترام خودمان را نگه نداریم و با خودمان شایسته و درست رفتار نکنیم، از دیگران چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم.

محافظ شخصی

وقتی خودمان را محترم بشماریم، برای محافظت از خودمان تلاش می‌کنیم و آن را در معرض آسیب قرار نمی‌دهیم. ممکن است دیده باشید که گاهی نوجوان‌ها از انجام کارهایی که خطرناک است و ممکن است به آن‌ها صدمه بزند، لذت می‌برند و با افتخار آن را برای دیگران تعریف می‌کنند. واقعیت این است که این کارها هیچ جای افتخاری ندارند، زیرا بی‌احترامی فرد به خودش را نشان می‌دهد.

رسمیت بدهید

گاهی والدین به خواسته‌ها و نظریه‌ها کافی نمی‌دهند. تمرین کنید هماهنگی و نظرات بزرگسالان را به رسمیت اعتنا می‌کنید، خواسته‌های فرزندان و به آنها اعتنا کنید. با خودتان همسران بگویید امروز خسته است یا بگویید امروز میل به فلان غذا ندارم می‌کنید؟ حال اگر همین حرف را چه برخوردی دارید؟

اول خودت، دوم کسی!

اول از همه تمرین کنید تا تعاملتان با خودتان درست و محترمانه باشد، زیرا شما الگوی فرزندان خود هستید. اگر شما با خودتان تعاملی غیرمحترمانه داشته باشید، فرزندان شما هم همین شکل تعامل را یاد می‌گیرند. تمرینات مربوط به قسمت قبل را بخوانید و هر کجا ضعف دارید، تمرین کنید و آن را برطرف کنید.



حرف و حدیث‌ها در رابطه با راه اندازی سازمان ملی جوانان داغ است

سازمانی که جوان بود

معاون امور ساماندهی جوانان وزارت ورزش و جوانان بیان این که ناهنجاری اجتماعی در نتیجه فراموشی اصالت و هویت یک جامعه است، گفت: «برآنیم که هویت جوانان را به آنان بازگردانیم و در این راه سازمان مستقل جوانان را احیا می‌کنیم.»

سازمانی برای سرمایه‌های ملی

حتماً زیاد شنیده‌اید که به شما برویج نوجوان و جوان می‌گویند سرمایه ملی! این جمله یک چیزی توی این مایه‌ها می‌شود که مثلاً شما موتور حرکت کشور در جامعه هستید و قرار است با رگه‌های ناب تلاشی که آن ته و توهایتان وجود دارد و قرار است در آینده شکوفا شود به درد کشورتان بخورید. جوانان برای هر کشوری جزو سرمایه‌های ملی به شمار می‌روند. به همین خاطر تشکیل سازمان‌ها و نهادهای حمایتی از قشر جوان یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های دولت‌های مختلف در همه کشورهاست. با این حال، برخی از این سازمان‌ها با اهداف سیاسی نیز متمرکز می‌شوند. در

زیر با کشورهایی که نهادها و سازمان‌های بزرگی را با هدف کمک به بهبود شرایط جوانانشان تشکیل داده‌اند، آشنا می‌شویم:

ایرلند: ایرلند کشوری جوان است، به همین خاطر آن طوری که خودشان می‌گویند به حق و حقوق جوان‌ها اهمیت خاصی می‌دهند. سازمان (NIYF) یک سازمان جوانان در ایرلند است که در زمینه ترویج و مبارزه برای حقوق جوانان در ایرلند شمالی فعالیت می‌کند. همه جوانان ایرلند شمالی که بین ۱۱ تا ۲۵ سال دارند می‌توانند در این سازمان عضو شوند. انگلیس: انگلیس یکی از کشورهایی است که تا دلتان بخواهد داخلش نهاد و نهادهای دارد. در این کشور نهادها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی زیادی برای کمک به بهبود شرایط جوانان فعالیت می‌کنند؛ البته فعالیت‌هایشان گاه رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند؛ مثلاً حزب کارگر در انگلیس حزبی سیاسی است و به همین خاطر در کنار فعالیت‌های این حزب، سازمانی برای حمایت از جوانان عضو حزب کارگر تشکیل شده است. مهم‌ترین هدف این سازمان این است که آرمان‌های جوانان برای سیاست‌های کار در قدرت نشان داده شود. اعضای جوان کار می‌توانند از طریق رویدادهای سیاست محلی، مبارزات انتخاباتی یا شرکت در رویدادها و اجتماعات در فعالیت‌های حزب شریک شوند. آلمان: آلمانی‌ها به پایبندی به قوانین و پرتلاش بودن در کار معروف هستند. طبیعی است که در کشوری قانون‌دوست، سازمان‌ها و جنبش‌های زیادی برای احقاق حقوق جوانان فعالیت کنند. «جنبش جوانان آلمان» اصطلاحی جمعی برای جنبشی فرهنگی و آموزشی است که از سال ۱۸۹۶ کار خودش را آغاز کرده است.

تجربه‌ای که زیر آتش خورد

در ایران هم عنوان «سازمان ملی جوانان» نامی آشنا برای خیلی از دهه



پنج‌های‌ها و شصتی‌هاست؛ البته حالا خیلی‌هاشان دیگر جوان نیستند. همان سازمانی که هفده سال پیش با هدف حمایت از قشر جوان به صورت ملی و فراگیر تأسیس شد، اما در طول این سال‌ها به دلیل تغییر دولت‌ها و سیاست‌ها از هدف اصلی‌اش دور شد تا در نهایت مسئولان لطف کردند و زیرآب سازمان ملی جوانان را زدند و با وزارت ورزش و سازمان تربیت بدنی یکی‌اش کردند و نتیجه این قاطعی کردن وزارتخانه‌ای شد که ورزش در آن اولویت اول است و جوانان در آن اولویت بعدی! نه تنها منتقدان این یکی کردن بلکه بیشتر فعالان در حوزه جوانان از این ماجرا دل خوشی ندارند، چون با گذشت زمان ثابت شد با وزارتخانه شدن تنها کاغذبازی بیشتر شد و وظایف توی هم پیچید و در نهایت هیچ گلی به سر جوان‌ها نزنند. حاصل این ماجرا این شد که ما جوانان همان‌هایی که یک‌سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهیم به غیر از فضای مجازی، تریبونی برای بیان مشکلاتمان نداشته باشیم و فرصت ورود جدی به فضای فکری و فرهنگی و حتی سیاسی کشور را از دست بدهیم. حالا مدتی است دوباره حرف و حدیث راه‌اندازی دوباره این سازمان در رسانه‌ها شنیده می‌شود.

بهتر است خودمان وارد گود شویم

این روزها ظاهراً انتقادات درباره ناکارآمدی وزارت ورزش در حوزه جوانان آن هم در کشوری که یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیاست، سرانجام باعث شده مسئولان واکنش نشان داده و حرکتی بزنند. خیلی‌ها دستور احیای سازمان ملی جوانان را در آستانه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری یک‌جورهایی شعار انتخاباتی می‌دانستند، اما به هر حال این که مسئولان اجرایی لزوم پاسخگویی به نیازهای جوانان را احساس کردند، امیدهایی را در دل‌ها زنده کرد. بر این اساس چندی پیش رئیس‌جمهور طی دستوری به «جمشید انصاری»، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، خواست اقدامات لازم برای احیای مجدد سازمان ملی جوانان کشور را اجرایی کند. در دستور رئیس‌جمهوری تمرکز بیشتر بر مسائل جوانان و ارزیابی عملکرد در ادوار مختلف و ضرورت رسیدگی به امور جوانان و کمک به شکوفایی استعداد آنان در حوزه‌های مختلف و هماهنگ‌سازی اقدامات دستگاه‌های مسئول در حوزه جوانان، از دلایل لزوم ایجاد سازمان ملی جوانان کشور عنوان شده است. از اهداف سازمان ملی جوانان، حل مسائل جوانان، اعتلا و رشد نسل جوان کشور و استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های نسل جوان است. می‌توان منتظر ماند و دید که در بالا و پایین کردن‌های موافقان و مخالفان سازمان‌دار شدن ما چه کسانی برنده می‌شوند، اما از طرفی هم نباید دست روی دست گذاشت و به عنوان موضوع اصلی دعوا وارد بحث شده و نظر خودمان را به گوش مسئولان برسانیم. این روزها که دست به پوشش زدن و کمپین راه انداختن و چالش درست کردن‌تان بد نیست، چرا چالشی برای یکی از مهم‌ترین مسئله‌های خودتان راه نیندازید!؟

مجازات‌های متفاوت این بار به نفع دانش آموزان

چند وقت پیش برای شما در مورد تنبیه‌های متفاوتی که قاضی‌ها برای مجرمان محیط‌زیستی تعیین می‌کنند، خبر آوردیم. این بار خبری در مورد قاضی خوش‌فکری داریم که برای راننده بی‌احتیاط تنبیه متفاوتی در نظر گرفته است. قاضی دادگاه شهرستان گالیکش واقع در شرق استان گلستان، راننده بی‌احتیاط خودرو را به پرداخت دیه و خرید پوشاک برای دانش‌آموزان نیازمند محکوم کرد. جناب متهم باید با نظارت آموزش و پرورش تا سقف ۱۰ میلیون ریال برای دانش‌آموزان بی‌سرپرست یا بدسرپرست پوشاک تهیه کند. خوب است بدانید که استان گلستان یکی از استان‌های پیشرو کشور در دادن آرای جایگزین حبس و فرهنگ‌سازی کاهش تعداد زندانیان است.

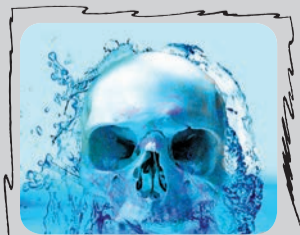
باشگاه خبرنگاران جوان

نوشتابه انرژی‌زا آب مختان را می‌کشد

یکی از راهکارهای نامناسب دانش‌آموزان برای بیدار ماندن در شب خوردن نوشابه‌های انرژی‌زاست. اگر اهل این جور کارها هستید خوب است بدانید که محققان نه تنها این راهکار را توصیه نمی‌کنند بلکه آن را مضر هم معرفی کرده‌اند. حتماً می‌دانید که مغز داخل کیسه مایعی قرار دارد که مانع از برخورد آن به جمجمه می‌شود. از آنجایی که نوشیدنی‌های انرژی‌زا و کافئین‌دار آب بدن را کاهش می‌دهند می‌توانند آب بین مختان و جمجمه را هم کم کرده و باعث شوند مغز مبارکتان به در و دیوار جمجمه بخورد و سردردهای جدی بگیرید.



چه رای شدی



مواظب مغزت باش



رفتار محترمانه داشته باشیم

خودتان

باز کنید...!

ش. شجاعی // همه ما دوست داریم که در اجتماع و در ارتباط با دیگران رفتار محترمانه و قابل قبولی داشته باشیم و با دیدن بی حرمتی، ناراحت می شویم، اما سؤال این جاست که آیا یاد گرفته ایم به خودمان هم احترام بگذاریم؟ آیا همان قدر که به فکر رعایت حال دیگران و احترام به دیگران هستیم، با خودمان هم رفتار محترمانه داریم؟ اصلاً احترام گذاشتن به خود دیگر چه صیغه ای است و چگونه ممکن است؟ با مشاوره خونه این هفته همراه شوید تا در این باره بیشتر بدانید.

کارگاه عملی مدیریت خشم آداب معاشرت با خودت را بلدی؟

معاشرت با هرکسی در هر جایگاهی آدابی دارد که اگر آن ها را بدانید و رعایت کنید، رفتار شما مورد پسند و محترمانه خواهد بود. معاشرت با خودتان هم همین طور است. اگر دوست دارید در ارتباط با خودتان فردی آداب دار باشید و رفتار محترمانه با خودتان را یاد بگیرید، دفترچه و قلم آماده کنید و وارد کارگاه این هفته شوید.



صمیمی با بدن

احترام به خود را از جسم شروع می کنیم، زیرا دم دست شما و قابل لمس و رؤیت است. اول باید تمرین کنید که احساسات و نیازهای مختلف بدن خودتان را بشناسید. برای این کار حداقل روزی پنج بار چشم های خودتان را ببندید و روی قسمت های مختلف بدنانتان تمرکز کنید و ببینید که هر کدام چه احساسی دارند. هر احساسی را درک کردید، آن را در دفترچه ای یادداشت کنید و سعی کنید تا می توانید درک خودتان را از احساسات بدنانتان بیشتر کنید؛ مثلاً ممکن است متوجه شوید گرفتگی در کمر یا خستگی در عضلات یا دارید یا مثلاً پوست صورتتان آزرده شده و می سوزد یا قلبتان تند می زند. این تمرین به شما کمک می کند با بدنانتان دوست شوید.

مراقبت از خودم

وقتی نیازها و احساسات بدن خودتان را شناختید، قسمت مهم راه را پیاده کنید. در این مرحله باید تمرین کنید به نیازهای بدنانتان احترام بگذارید؛ مثلاً اگر کمربان خسته است شاید لازم باشد نحوه نشستن خود را تغییر دهید یا بلند شوید و چند قدم راه بروید یا اگر چشم هایتان می سوزد شاید لازم باشد قدری به آن استراحت دهید یا خوابتان را منظم تر کنید. در هر روز حداقل پنج کاری را که برای مراقبت و برطرف کردن نیاز بدنانتان انجام داده اید یادداشت کنید؛ مثلاً بنویسید من متوجه شدم که عضلات دستم خسته هستند و آن ها را چند دقیقه ماساژ دادم.

تحویل بگیرد

رسیدگی مناسب به جسمتان و به ادا دادن به آن، نشان دهنده احترام شما به خودتان است. برای همین تمرین کنید به نظافت و بهداشت خودتان اهمیت بدهید. به موقع حمام بروید. به خودتان برسید. لباس های آراسته و تمیز بپوشید. کفش هایتان را واکس بزنید. برطرف کردن نیازها به شکل درست، نشان دهنده احترام شما به خودتان است؛ مثلاً اگر شما تشنه باشید، از آب کیف جوی نمی نوشید. پس اگر بدنتان نیاز به غذا دارد، آن را به شکل درست برطرف کنید و غذای پاکیزه و سالم به آن بدهید.

احساسات من

احساسات و هیجانات شما هم قسمتی از وجود شما هستند و باید به آن ها احترام بگذارید. برای این که بتوانید به احساسات خودتان احترام بگذارید اول باید یاد بگیرید که آن ها را بشناسید. برای این کار تمرینات مربوط به شناخت احساس را که در چند شماره قبل گفتیم، مرور کنید. مشابه آن چه در مورد بدنانتان انجام دادید، روزی چندبار احساسات خودتان را رصد کنید و آن ها را یادداشت کنید. سپس تمرین کنید احساسات خودتان را به رسمیت بشناسید و خودتان را برای داشتن احساسات مختلف سرزنش نکنید. برای این کار، وقتی احساسی را یادداشت می کنید، از ضمیر من استفاده کنید؛ یعنی بنویسید من احساس خشم می کنم.

نظر من

یکی از مصادیق احترام به خود این است که به تشخیص ها و دریافت های درونی خودتان اعتنا کنید. سعی کنید در هر موضوعی، تشخیص و دریافت درونی خودتان را بفهمید و آن را به رسمیت بشناسید. ممکن است بعداً متوجه شوید نظر شما درست نبوده است. این اشکالی ندارد، چون می توانید نظر خودتان را اصلاح کنید. مثلاً وقتی دوستانتان به شما پیشنهادی می دهند با خودتان فکر کنید نظر و تشخیص خودتان چیست و بعد به آن جواب بدهید. اگر خودتان را مجبور کنید که برای از دست ندادن دوستانتان تشخیص خودتان را تعطیل کنید و درست از آن ها اطاعت کنید به خودتان بی احترامی کرده اید.

وقت بگذارید

وقتی کسی برای ما محترم باشد برایش وقت می گذاریم. تمرین کنید برای خودتان وقت های اختصاصی قرار دهید که در آن به اوضاع و احوال خودتان رسیدگی کنید. گاهی وقت ها مشغله های روزمره و برنامه های زندگی باعث می شود که حواسمان از خودمان پرت شود. می توانید در پایان هر روز، فرصت کوتاهی را برای خودتان اختصاص دهید که در آن صمیمانه با خودتان خلوت کنید و آن چه را که تجربه کرده اید مورد بررسی و تأمل قرار دهید یا اگر رنجی را تجربه کرده اید، از خودتان دلجویی کنید.

سرمایه گذاری

وجود شما پر از استعدادها و توانمندی های آشکار و پنهان است و این ها سرمایه های شما هستند. اگر به آن ها بی توجهی کنید، به خودتان بی احترامی کرده اید. پس تمرین کنید استعدادها و علائق خودتان را بشناسید و آن ها را یادداشت کنید. برای آن ها سرمایه گذاری کنید و آن ها را پرورش دهید. سعی کنید در زمینه های مختلف توانمندی های خودتان را افزایش دهید. این کار باعث می شود نسبت به خودتان احساس بهتری داشته باشید.

ادبیات پنهان

گفتگوی محترمانه نشان دهنده ارزش قائل شدن و احترام ما به دیگران است. بسیاری از افراد با دیگران محترمانه حرف می زنند، ولی یاد ندارند با خودشان درست صحبت کنند و در این زمینه نیاز به تمرین دارند. برای این که گفتگوی خودتان را با خودتان اصلاح کنید ببینید در موقعیت های مختلف با خودتان چه حرف هایی می زنید؛ مثلاً وقتی اشتباهی مرتکب می شوید، با خودتان چگونه حرف می زنید و آن ها را یادداشت کنید. بعد با خودتان فکر کنید اگر دوستتان این اشتباه را انجام داده بود، چگونه با او حرف می زدید؟ حالا فرض کنید خودتان دوستتان هستید و دوباره با خودتان گفتگو کنید. این تمرین به شما کمک می کند تا گفتگویتان با خودتان را اصلاح کنید.

عکس: ناهید محقق



رفتار محترمانه

به احساسات و نظرات فرزندان احترام بگذارید. به او شخصیت بدهید. نظر او را جویا شوید. به او کمک کنید تا خودش را موجودی ارزشمند ببیند. هرگز او را برای داشتن نظری خاص یا احساسی خاص سرزنش و تحقیر نکنید. این باعث می شود که فرزندان از داشتن نظری متفاوت با دیگران شرمند بشود و نتواند به نظرات و تشخیص های درست خودش احترام بگذارد.

برای فرزندان اهمیت ندهید که خواسته ها می شناسید و به آن ها ن خود را هم بپذیرید فکر کنید مثلاً اگر و به مهمانی نمی آید، با او چه برخوردی از فرزندان بگویید، با او

چگونه به فرزندم کمک کنم؟

یکی از مشکلات موجود در سیستم تربیتی ما این است که به فرزندانمان یاد می دهیم که چگونه با دیگران محترمانه رفتار کنند، ولی به آن ها یاد نمی دهیم که تعاملی محترمانه و سالم داشته باشند. برای همین است که در بسیاری از بزرگسالان احساس رنج و نارضایتی را می بینیم. برای این که بتوانید در این زمینه به فرزندان کمک کنید نکات زیر را رعایت کنید:

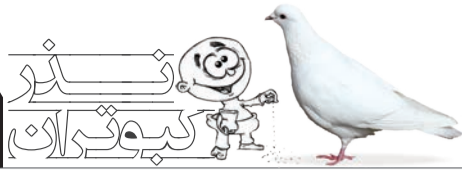
تظاهر مخرب

فرزندان را مجبور نکنید برای جلب رضایت دیگران تظاهر کنند و کاری را که نمی خواهند انجام دهد. وقتی بدون توجه به خواسته و تشخیص خودمان در مقابل دیگران نقش بازی می کنیم تا آن ها راضی باشند، به وجود خودمان بی احترامی و بی توجهی کرده ایم و این بی احترامی باعث نارضایتی ما از خودمان و از زندگی مان می شود.

تأمین به موقع

وقتی متوجه نیازی در فرزندان می شوید، آن را به شکل مناسب و در زمان مناسب برآورده کنید. این کار به فرزندان کمک می کند تا یاد بگیرد به نیازهای خودش اعتنا کند؛ البته ما انتظار نداریم که همه خواسته هایمان بدون هیچ معطلی برآورده شود، ولی برآورده کردن نیازها به شکل مناسب و در زمان مناسب به فرزندان احساس ارزشمند بودن می دهد و به آن ها کمک می کند تا خودشان را قابل احترام ببینند.





تا که بر گنبد تو دیده‌ام از دور افتاد
ناگهان در دل آلوده من شور افتاد
اولین بار که دیدم حرمت را گفتم
ای سلیمان به سرایت گذر مور افتاد

بی‌بنا آدم و خوب پناهم دادی
راهم از حادثه در دولت منصور افتاد
تا به خود آمده، دیدم که دل از دستم رفت
وسط آینه‌ام چشمه‌ای از نور افتاد

نمایشگاه

بنچمین دوره مسابقات رالی بین‌المللی خاورمیانه (رالی مرک) در جنگل‌های ارستجان استان فارس برگزار شد.



هدیه‌های هشتپایه‌ها

تکلیف‌های آزمون

دوست نوجوان من! همدک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



حائیه سلامی راد

زن بودن / ۳

برای بایبیز عمیق...

اول: پایشان را بگوییید بردارند... مثل وقتی کسی ناخواسته در اتوبوسی سلوغ پایش را می‌گذاشت روی لبه جادر مادرمان... پایشان را ندانسته گذاشته‌اند روی لبه روحمان... نمی‌توانیم تکان بخوریم... اتوبوس در ایستگاه‌های مختلف نگه می‌دارد و ما در همه آن ایستگاه‌ها می‌خواهیم پیاده شویم... آه که چقدر از خانه دور شدیم... چقدر این ایستگاه‌ها غریبه‌اند... این مسافران... و این مقصد... آه که چقدر نامعلوم است... پایشان را بگوییید بردارند...

دوم: سر کلاس... بچه‌ها رفته‌اند دنبال کلمه‌های مورد علاقه‌شان... منی برای پایشان خواندم از یک نویسنده... نویسنده گفته بود هر کس در زندگی‌اش کلمه‌های مورد علاقه‌ای دارد... و هر روز به این فهرست اضافه می‌شود اگر کلمات را با روحمان حس کنیم... آن‌ها رفته‌اند تا کلمات مورد علاقه‌شان را از لای کتاب‌ها و صحبت آدم‌ها و خاطره‌هایشان پیدا کنند... من دیروز کلمه «توشه کردن» را به فهرست کلمات مورد علاقه‌ام اضافه کردم... وقتی همکارم گفت ماشینمان را توشه کردیم اصفهان و خودمان با هوایما رقیتم... تو را توشه می‌کنم به هر کجا که قرار است بروم... و خودم با پایم... ظاهرآ تنها به آنجا می‌آیم...

سوم: دقیقاً همین الان که شدیداً میلم می‌کنش که نوشته مفصلی نویسم حدود پنجاه بچه منظره هستند... چسبیده‌ام به میبل... زنگ یزن بگو نمی‌آیم... قیافه‌ها می‌آیند جلوی چشم... بگو دیرتر می‌آیم... نمی‌توانم با عجله بنویسم... پس اصلاً نرو... مرخصی باشد برای روز مبادا... تابستان‌ها... آخر تابستان‌ها سه روز پشت هم سر کار نمی‌روم... همه تابستان بی‌وقفه و بی‌مرخصی می‌دوم و سه روز در هفته‌های آخر مرخصی می‌گیرم... محترمانه تقدیم می‌شود... چون مثل بولدوزر کار کرده‌ام... سر وقت رفته‌ام و در همه مناسبت‌ها کتابخانه بوده‌ام... اما این سه روز... نه برای استراحت است، نه برای سفر... زهره یا اشرف را خبر می‌کنم و می‌افتم به جان خانه... ملاقه‌ها... کابینت‌ها... گل‌دان‌ها... کمدها... پاییز برای من نوعی عید است... سفر به درون... خلوتی... و استقبال از شب‌های عجول...

پروم سر کار... همه تابستان را با همه ظرفیت‌های پرهای‌وهوی تاب بیاور هانیه... و برای پاییزی عمیق... آماده شو...

یک روز با کارگاه کار دست‌های نوجوانان کانون پرورش فکری

دنیای کلاف‌های رنگی

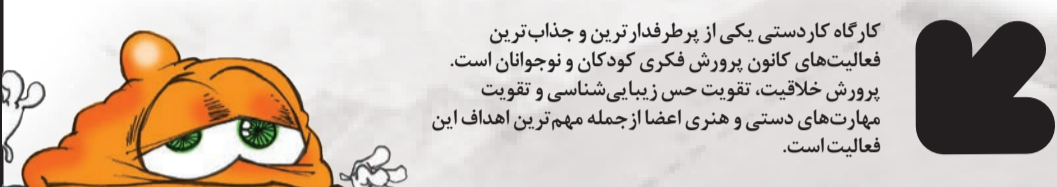
مرکز شماره ۴ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد با هدف جذب اعضای نوجوان و توجه به هنرهای بومی و محلی، کارگاه کار دست‌های را امسال با شیوه متفاوتی برگزار کرد. نوجوانان دختر مرکز ۴ مشهد امسال هنر «کلیم‌بافی» را تجربه کردند و با کلاف‌های رنگی قالیچه‌هایی پر نقش و نگار بافتند. آن‌ها درباره مادران این سرزمین که سال‌ها و سال‌ها پای دارهای قالی نشسته و نقش‌های زندگی‌شان را بر تار و پود فرش‌ها تنیدند، قصه‌ها شنیدند. با هم از خاطرات مادرانشان سخن گفتند، پای کلام شیرین و مهربان مری‌شان نشستند و خیالشان را در تار و پود کلاف رنگی نقش زدند.

نوجوانان به کارهای ساده راضی نیستند

«هما تقوایی نانی»، مربی این کارگاه که آخرین روزهای خدمتش را در کانون می‌گذراند نزدیک به سی سال است که در مراکز کانون سبزوار و مشهد مربی بوده و نقش‌های زیادی با هدایت نوجوانان در این کارگاه‌ها خلق کرده‌اند. تقوایی می‌گوید: «نوجوانان به کارهای ساده و دم‌دستی راضی نیستند. دلشان کارهای نو می‌خواهد. فکر کردم تابستان امسال چه فعالیت هنری را با آن‌ها داشته باشم. سال گذشته کارگاه نمودوزی را برپا کردیم. بعضی از دختران نوجوان حتی نمی‌توانستند سوزن نخ کنند، اما در کارگاه نمودوزی توانستند کیف، جامدادی، عروسک‌های انگشتی و دستگشی و گل‌سر درست کنند. امسال تصمیم گرفتم کلیم‌بافی کار کنم. این گونه هم هنر و خلاقیت‌شان تقویت می‌شود و هم مهارت‌های حرکتی و دستی آن‌ها، چون از ابتدا پای کار هستند و حتی نقشه فرش‌ها را هم خودشان طراحی می‌کنند. این فعالیت برای آن‌ها بسیار لذت‌بخش است، چون امکان استفاده از دار قالی در کتابخانه وجود نداشت، فکر کردیم بهتر است با قلاب کار کنیم. باید پارچه توری پیدا می‌کردیم تا زمینه اصلی کار شود. چیزی که هم در دسترس باشد و هم ارزان و چنین چیزی را در ابزارفروشی‌ها پیدا کردیم. صفحه‌های توری با خانه‌هایی که می‌شد نخ کامورا از میانش رد کرد. کاموهای رنگی هم که آمدند، دیگر همه چیز آماده بود برای بافتن و طرح زدن. در کارگاه کار دست‌های هم‌زمان با آموختن روش بافت کلیم، از پیشینه این هنر و از دارهای قالی و طرح‌هایی که مادرانمان در گوشه گوشه این سرزمین می‌بافته‌اند صحبت کردیم.»

کلاس‌های کار دست‌ها

حالا نوبت اعضای نوجوان کارگاه کلیم‌بافی است تا قصه نقش‌هایی را که زده‌اند بر ایمان تعریف کنند: «نازنین عبداللهی» می‌گوید: «چه لذتی دارد کنار همسرن و سال‌های خودت بنشینن، حرف بزنی، شعر بخوانی، خاطره تعریف کنی و هم‌زمان رنگ‌ها را لای انگشتانت ببیچی و از توی چهارخانه‌های توری رد کنی و بعد بیینی همین‌طور که گوشه‌ها با مری است نقش زیبایی را با دستانت خودت بافته‌ای. عاشق کلاس‌های کار دست‌ها می‌شوی. هم سرگرم می‌کنی و هم زیبایی را به چشم و دل و روح هدیه می‌کنی.»



کارگاه کار دست‌های یکی از پرطرفدارترین و جذاب‌ترین فعالیت‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. پرورش خلاقیت، تقویت حس زیبایی‌شناسی و تقویت مهارت‌های دستی و هنری اعضا از جمله مهم‌ترین اهداف این فعالیت است.

کلاف‌های رنگی اسرارآمیزند

«یگانه جهان‌دیده» می‌گوید: «رنگ‌بازی را دوست دارم. کلاف‌های رنگی اسرارآمیزند. وقتی شروع به بافتن می‌کنم انگار رازهای قلبم را می‌بافم. رنگ‌ها می‌شوند قاب رازهایم و نقش فرشم می‌شوند نقش دلم... خوشحالم که در این کارگاه حضور داشتم. هم اوقات خوشی را با دوستانم گذراندم و هم هنر اصیل و زیبایی را یاد گرفتم. کارگاه‌های کار دست‌های امسال بیش از هر زمان دیگری مهربان بودند و سرشار از رنگ و دوستی...»

باورتکر دنی بود

«نیکتا خسروی» هم می‌گوید: «اولش اصلاً فکر نمی‌کردم فعالیت جالبی باشد. با چند کلاف رنگی، یک قلاب و یک صفحه توری چه اثر هنری می‌شود خلق کرد؟ البته برای من که هفت سال است در کانون کارهای هنری زیادی دیده‌ام و در کارگاه‌های مختلفی هم شرکت کرده‌ام نباید خیلی جای تعجب داشته باشد. من مدت‌هاست در کارگاه کار دست‌های شرکت می‌کنم. اول از اوربگامی یا کاغذ و تا شروع کردم و مرحله دیگر کاغذ و پرش و بعد کارها کمی پیچیده‌تر شد. توانستم با نمک کارهای زیبایی مثل کیف و جامدادی بدوزم. کارت‌های تریک درست کردیم و خیلی چیزهای دیگر. قلاب و نخ را که دست گرفتم اصلاً فکر نمی‌کردم بعد از پنج، شش جلسه بتوانم چنین طرحی ببافم.»

این کلاف و این هم قلاب

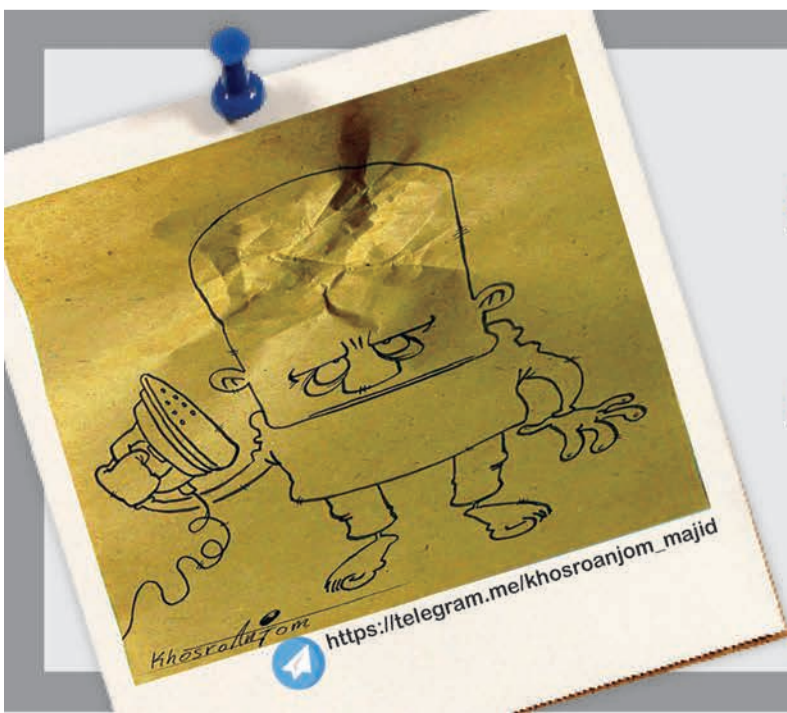
«سمانه غفورنیا» یکی دیگر از اعضای نوجوان کارگاه کار دست‌های می‌گوید: «روز اول وارد کلاس که شدم اولین چیزی که چشمم به آن افتاد کلاف‌های رنگی بود که وسط میز کتابخانه خودنمایی می‌کرد. همه مشغول بودند. مربی وقتی نگاه پر از اشتیاق مرا دید به من هم یک صفحه توری سفید رنگ داد و گفت:

«بفرمایید سمانه‌خانم. این کلاف و این هم قلاب. طرحی روی پارچه‌ات بکش و بعد رنگ‌هایی را که دوست داری انتخاب کن.»

مربی خودش چند نمونه طرح را جلویم گذاشت. بعد از کمی فکر کردن، طرحم را کشیدم. آبی، زرد و سبز رنگ‌هایی بودند که برای بافتنم انتخاب کردم. عجب تجربه محسوس‌تری! حالا که دارم با شما صحبت می‌کنم یک «دم‌دری» بافته‌ام. وقتی پایم را روی دم‌دری می‌گذارم احساس زیبا و متفاوتی را تجربه می‌کنم. ممنونم خانم تقوایی عزیز که این حس شیرین را به من جشانندی!

این تجربه متفاوت فرصتی است که بچه‌های کانون باز هم در کلاس‌ها و کارگاه‌های کار دست‌های دور هم جمع شوند و کارهای زیباتری را خلق کنند. بیاموزند و بیشتر با هم دوست شوند.

معصومه موسویان، مربی مسئول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره ۴ مشهد.



به خسیس خان می‌گن:
تا حالا کسی رو از مرگ نجات دادی؟
می‌گه: آره، هزار تومن به بسرم دادم، داشت از خوشحالی می‌مرد، ازش گرفتم.

خسیس خان

شوهر، قوطی جایی کجاست؟
زن، شما مردها توی عمرتون نمی‌تونین چیزی رو به‌تنهایی پیدا کنید. جایی تو کابینت ادویه‌هاست، تو قوطی کاکائو که روش نوشته نمک.

خوشمزه خان

شمع به کبریت گفت: از تو می‌ترسم، تو قاتل من هستی. کبریت گفت: از من ترس، از ریسمانی بترس که در دل خود جای دادی. عامل نابودی انسان‌ها تفکرات منفی خودشان است، نه عوامل بیرونی.

استاد بزرگ

یه پارم داشتم ماهیگیری می‌کردم، نگهبان اومد گفت: این‌جا ماهیگیری ممنوعه. گفتم: ولی این‌جا تابلو نذین که. گفت: نذینم که نذینم، زود باش از بالای اون آکواریوم بیا پایین!

خوشمزه خان

به یکی می‌گن یه موجود نام ببر، می‌گه: یخ... می‌گن آخه یخ که موجود محسوب نمی‌شه، می‌گه چرا من خودم صدبار دیدم نوشتند یخ موجود است.

خوشمزه خان

معلم: اگر ۱۵۰۰ تومان خرید کنی و ۲۰۰۰ تومان پول بدی، چقدر باید پس بگیرد؟ شاگرد: ۷۵۰ تومان. معلم: چطور حساب کردی؟ شاگرد: چونه زدم.

پسر خوشمزه خان

